



سلامت اقتصاد جهان

آثار متناقض

روند مثبت حرکت اقتصاد آمریکا در ماه‌های اخیر، می‌تواند پیشرفت قابل توجهی برای این کشور محسوب شود. اما آیا با پایان یافتن مساعدت‌های دولتی این روند ادامه خواهد یافت؟

بروز نشانه‌های آغاز رونق در زندگی مردم آمریکا در اواخر سال ۲۰۰۹ و ابتدای ۲۰۱۰ این حس را تقویت می‌کند. که رکود به پایان رسیده و بهبود اقتصادی ظاهر شده است. با این که رکود بزرگ سایه خود را از زندگی مردم آمریکا برداشته، اما می‌توان گفت جای خود را به پدیده دیگری به نام "ابهام بزرگ" داده است. اکنون بحث بر سر وضوح شاخص‌های اقتصادی و دوام‌پذیری پیشرفت‌هایی است که این روزها نمایان شده است.

تولید صنعتی برای پنجمین ماه متوالی در ماه دسامبر در آمریکا توسعه یافت و در بازار کاری که گرفتار نرخ بیکاری دورقمی شده بود، امید به افزایش دستمزدها زنده شد. گفتنی است آمارهای مربوط به ماه دسامبر از کاهش نرخ بیکاری خبر می‌داد و قیمت نفت و سهام هم در این ماه با افزایش مواجه بود. با همه اینها، بسیاری از اقتصاددانان نگرانند روند حال حاضر که به این صورت شتاب گرفته، به زودی کند شود و اقتصاد دوباره به روزهای تلخ خود بازگردد.

بخش اعظمی از پیشرفت در تولید صنعتی - که تکه‌ای کوچک از اقتصاد آمریکا به شمار می‌رود - نتیجه احیای موجودی کالاها پس از شکستن قیمت آنها است. بسته هزینه‌ای ۷۸۷ میلیارد دلاری دولت هم که به هدف تحریک رشد اقتصادی تهیه شده بود، در نجات اقتصاد آمریکا مؤثر بود که البته اواسط سال ۲۰۱۰ تا حد زیادی تحلیل خواهد رفت.

آن دسته از افرادی که نسبت به دوام این رونق تردید دارند، معتقدند به محض این که مساعدت‌های دولتی به اتمام برسند، اقتصاد آمریکا با همان مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد که به مدت دو سال آن را از پا درآورده بود. مردم آمریکا همچنان غرق در بدهی و نگران از چشم‌انداز شغلی خود هستند که موجب می‌شود بسیاری از آنها با صرفه‌جویی معاش خود را بگذرانند. مؤسساتی که هنوز از ضعف عملکرد نظام مالی در هراسند، تا زمانی که اطمینان حاصل نکنند بازگشت رونق اقتصادی واقعی است، از بکارگیری نیروهای بیشتر سر باز می‌زنند و همین‌طور کاهش مصیبت‌بار قیمت مسکن، قدرت مصرف میلیون‌ها خانوار آمریکایی را کاسته است.

"دهه از دست رفته" جدید

تعداد کمی از کارشناسان انتظار وقوع رکود مجدد (Double-dip Recession) را - که پس از توسعه اقتصادی موقت، بار دیگر رخ می‌دهد - دارند، اما هراس بسیاری دیگر این است که درست مثل "دهه از دست‌رفته" (Lost Decade) ژاپن در سال‌های دهه ۹۰ یک دوره طولانی‌مدت رشد ساکن اتفاق افتد که چندین سال طول بکشد. در طول دهه‌های ۸۰ و ۹۰ اقتصاد آمریکا تقریباً سالانه ۳ درصد توسعه داشت و پس از آن از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ به حدود ۲/۵ درصد کاهش پیدا کرد که بیشتر، ناشی از سرمایه‌گذاری‌های مخرب در بخش املاک بود.

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۴۲ اندر احوال جنگ با تروریسم

۴۲ موشکی

۴۳ تحولات اقتصادی جهان

۴۴ تحولات سیاسی جهان

۴۴ طرح ماه

اقتصاددانانی که دید خوش‌بینانه‌تری دارند، اذعان می‌کنند که چنین دیدگاه‌هایی نمی‌تواند آنچه را که در ماه‌های اخیر اتفاق افتاده به خوبی پوشش دهد. حوزه‌های اقتصاد که به شدت دچار رکود شده بود، دوباره احیا شده و برای تأمین مجدد موجودی کالاها، این حوزه‌ها باید بار دیگر رشد کند.

در این میان خبرهای منتشرشده در مورد چین، امید به دوام این رونق را تقویت می‌کنند. آمار و اطلاعات منتشرشده نشان می‌دهد اقتصاد این کشور در ماه دسامبر با روند سریع‌تری نسبت به هر زمان از آغاز رکود جهانی توسعه یافته است. آمارهای مشابهی هم نشانه‌های رونق را در کره جنوبی، هند و تایوان تقویت می‌کنند.

اقتصاددانان ارشد مؤسسه تحقیقاتی و تجاری ITC معتقد است آغاز رونق کارخانه‌ها در سطح جهان نمی‌تواند اتفاقی موقتی باشد. به گفته رابرت باربرا، طی این دوره شرکت‌ها بسیاری از نیروهای خود را تعدیل کردند و به منظور کم کردن هزینه‌ها، موجودی کالاهای خود را کاهش دادند. پیش‌بینی باربرا این است که در سال ۲۰۱۰ حدود ۲/۵ میلیون شغل جدید ایجاد می‌شود. با این که این رقم نسبت به ۷ میلیون شغل از دست‌رفته (طبق آمار وزارت کار آمریکا) طی دو سال گذشته بسیار کم به نظر می‌رسد، اما در عین حال پیشرفت قابل توجهی محسوب می‌شود.

وقتی مردم حقوق‌های دریافتی خود را در کسب و کارهای دیگر صرف کنند، شغل‌های جدید برای افراد بیشتری ایجاد می‌شوند و به رشد دارایی ملی کمک می‌کنند. چنین چشم‌اندازی موجب خواهد شد توجه سرمایه‌گذاران وال‌استریت به محض مشاهده آثار گسترش مراکز تولیدی جلب شود و نشانه‌های افزایش فروش فروشگاه‌ها، اتخاذ سیاست‌های نوین از سوی شرکت‌های بیمه‌گر، افزایش تولید محصولات کارخانه‌ای و انجام معاملات بیشتر با واسطه‌گری بانک‌ها بیشتر شود. ■